



یک جنایت هولناک ! درباره فاجعه کشتار کارگران فولاد غدیر یزد

بر اثر وقوع انفجار در کوره کارخانه نورد فولاد غدیر که یکشنبه شب 20 آذرماه بوقوع پیوست تا اکنون 18 نفرکشته و 1 نفرمجروح شده اند و طبق آخرین خبرهای رسیده حال مجروحین هم وخیم است. این جنایتی که کارفرما و مسئولین کارخانه فولاد غدیر در اثر بی توجهی و عدم رعایت اصول ایمنی و حفاظت آفریده اند بقدری هولناک و تکاندهنده است که قلبها را بدرد آورده و خشمها را در سینه برانگیخته است. طی بررسی‌های اولیه وقوع حادثه به شکلهای متفاوت منعکس شده است. از جمله وجود آب در آهن پاره های پرس شده در کوره ذوب و مهمات اسقاط موجب بروز انفجار در کارخانه نورد فولاد غدیر یزد شده است. یا تعدادی کپسول گاز میان ضایعات قابل ذوب، روانه کوره شده که در نتیجه انفجار این کپسول‌ها کوره نیز منفجر شده است. و اما علت اصلی وقوع انفجار را قرار نگرفتن دو تن قراضه در محل اصلی اعلام کرده اند که گویا بر اثر بی احتیاطی یک کارگر که متصدی بخش بوده است صورت گرفته است. بدون شک متهمین اصلی این انفجار بهر شکل و یا هرعلتی اتفاق افتاده باشد سرمایه داران جنایتکاری هستند که به قصد سودهی بیشتر، صرفه جویی و عدم توجه به مسائل ایمنی محیط کار از جان کارگران مایه گذاشته، و آنها را به مسلخگاه مرگ میفرستند.

کارخانه نورد فولاد غدیر یزد متعلق به بخش خصوصی است و سال گذشته در حادثه ای مشابه در همین کارخانه یکی از کارگران جان خویش را از دست داد. با توجه به وقوع پنج حادثه مشابه ظرف چهار سال گذشته صاحبان کارخانه و همچنین نهاد های بازرسی کار در استان یزد اقدامی برای رفع نواقص ایمنی کار جهت حفاظت از جان کارگران به عمل نیاورده بودند که این سهل انگاری آگاهانه چند روز گذشته منجر به کشته شدن هفده کارگر و جراحت شدید چهار کارگر دیگر انجامیده است. دولت با حمایت از طرح خصوصی سازیها و صاحبان آن این اجازه را به آنها داده است کارگران را جزء مایملک خود به حساب آورده و به هر شکل ممکن برای کسب سود و ارزش اضافی بیشتر آنها را به بدترین شیوه ممکن استثمار نمایند. و هر گاه در مقابل شرایط موجود کارگران بخواهند اعتراض نمایند آنها را اخراج می کنند و یا بوسیله

نیروهای انتظامی مورد سرکوب قرار میدهند. کارگران در نظام بشدت سرکوبگرانه و ظالمانه رژیم اسلامی سرمایه هیچ حمایتی ندارند. عاملان این تراژدی دلخراش ظاهراً تحت پیگرد قانونی قرار گرفته اند. هیچ دلیلی وجود ندارد که مسببین این جنایات بوسیله افراد وسیستمی که خود آفرینندگان این جنایات ضد بشری هستند محاکمه و تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. این فریبی بیش نیست، دولت و عوامل مسئول این پیگرد میخواهند با این تبلیغات کاذب جلو خشم خانواده های کارگران جان باخته و هم طبقه ایهایشان را بگیرند. یادمان نرفته است که نیروهای این دولت ضد کارگر، کارگران خاتون آباد را زیر رگبار گرفتند و حداقل 5 نفر را به قتل رساندند. در فاجعه دلخراش انفجار در کارخانه های پتروشیمی شازند اراک در حدود 70 نفر از کارگران سوختند و تعداد زیادی زخمی شدند و ... آیا واقعن عاملان واقعی مجازات شدند؟ نه!

سالانه هزاران کارگر ایرانی بر اثر سوانح و یا بیماریهای ناشی از کار جان خود را از دست می دهند، بدون اینکه عاملان این سوانح مورد بازجویی و محاکمه قرار گیرند یا سعی شود مسائل ایمنی و حفاظتی محیطهای کارگری به عنوان اولویت در دستور کار و مورد توجه صاحبان سرمایه قرار گیرد. این جنایات ضد انسانی که سرمایه هر روز تولید و باز تولید می کند هیچوقت در تاریخ بشری ثبت نمی شود. جنگ سرمایه بر علیه نیروی کار از شمار جنگها و جنایات امپریالیستی نیست که در تاریخ بشر اعلام و ثبت شده است (به عنوان مثال: جنگ ویتنام، عراق). جنگ سرمایه بر علیه نیروی کار یک جنگ اعلام نشده و یک جنایت در حال جریان در متن جامعه سرمایه داری است که قربانیانش هر سال بنا بر بحرانهای اقتصادی و خواست سود آوری بیشتر سرمایه در حال افزایش است. دست دراندر کاران این جنگ خانمان سوز بر وسایل تولید مالکیت دارند، صاحبان قدرت و سرمایه اند. آنها که مسبب این آدمکشیها هستند، به همان نسبت هم انسانها را روانه گورستان می کنند، آدم روانه بیمارستان می کند، انسان های مبارز و حق طلب روانه زندان و شکنجه گاه و از آنجا روانه گورهای بی نشان می کنند. خانه ها را از هم می پاشند، شادیها را به غصه و غم تبدیل می کنند. اینها قاتلین و جانمایی هستند که در کنار قربانیان جامعه سرمایه داری یعنی کارگران قدم میزنند و کسی نمی تواند نشانشان بدهد و بگوید مسئول مرگ آن هزاران نفر انسان این شخصی است که دارد اینجا راه می رود یا این نهاد و ارگان است تازه خودشان را هم از بقیه جامعه معتبرتر و بالاتر می دانند. قربانیان این جنایات طبقاتی خیلی معلوم و مشخص اند، اینها کارگران هستند. فقط اینطور نیست که بمبی روی منطقه ای یا کارخانه ای افتاده و عده ای جانشان را از دست داده اند. این جنگی است علیه نیروی وسیع و مشخصی از جامعه، علیه طبقه کارگر، و همواره و هر روزه از آنها قربانی می گیرد.

تمام این کشتارها، ضرب و شتم و بی حقوقی ها ناشی از دو علت اصلی می باشد یکی حرص و آز سیری ناپذیر طبقه سرمایه دار و جنایت پیشگی دولت های حامی شان و دیگری متشکل نبودن کارگران در تشکل های مستقل از دولت و کارفرما و به عبارتی تشکل های طبقاتی اشان میباشد. کارگران بدون چنین تشکل هایی نمی توانند مطالبات خود را پیگیری کنند در نتیجه این خود بر میزان حوادث ناشی از کار می افزاید. کارگران با داشتن تشکل های کارگری و حضورشان در صحنه می توانند از طریق تشکیل کمیسیون های ایمنی محیط کار با نظارت نمایندگان واقعی کارگران به مشکل ناامنی محیط کار رسیدگی کرده و کارفرما را مجبور به تخصیص بودجه ای برای ایمن کردن محیطهای کاری کارگران بنمایند. در محیط های کاری فاقد تشکل کارگری، اعتراض کارگران به ناامنی محیط کار به هر درجه ای با اخراج و سرکوب پاسخ داده می شود و در نتیجه هیچ اعتراضی امکان بروز نمی یابد. بنابر این حکومت اسلامی سرمایه با حمایت از

سرمایه داران و سرکوب تشکل های کارگری متکی به نیروی کارگران کمر به نابودی کارگران بسته است.

این جنایات ضد کارگری و تکانهنده ننگی دیگر بر تاریخ نظام سرمایه داری و حاکمان آن میباشد، و ضمن اینکه نباید در مقابل آن ساکت نشست این وظیفه مهم را نیز جلو پای کارگران و تمام فعالین سوسیالیست کارگری می گذارد که مصمم تر و متشکل تر بر علیه این نظام نکبت بار و انگلی به مبارزه بر خواسته و خواهان محاکمه شدن مسببین این جنایت هولناک شوند.

ما کانون "سوسیالیستهای کارگری" ضمن تسلیت به خانواده این عزیزان جان باختة خود را در غمشان شریک می دانیم. عهد می کنیم با مبارزه طبقاتی، پیگیری و افشای این نوع فجایع و دیگر اعمال ضد کارگری تا رهایی کامل طبقه کارگر از پای ننشینیم .

دسام بر 18, 2011

مرگ بر حکومت جنایتکار اسلامی سرمایه
پر توان باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگری
زنده باد سوسیالیسم
کانون سوسیالیست های کارگری

www.socialistworkers.blogspot.com
kargar.socialist@gmail.com